

جبران خسارت معنوی ناشی از تأخیر در پرواز، در آرای محاکم

عباس میرشکاری*

رسول ملکوتی**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۰۹

چکیده

توجه جامعه به ضرر معنوی نشانگر عبور آن جامعه از ظواهر صرف و عنایت به بعد معنوی حیات اجتماعی و رشد مدنیت در آن است. سکوت اغلب فقهای متقدم نسبت به لزوم جبران خسارت معنوی را باید اقتضای زمان دانست که جامعه به هر علت نسبت به وجود این نوع خسارت یا لزوم جبران آن احساس نیاز نکرده است؛ اما اکنون این امر از مسلمات است و فقه جدید و به تبع آن نظام حقوقی کشور نیز این نیاز را پاسخ گفته و درصدد تعیین حدود و ثغور آن برآمده است. اگرچه اکنون در نفس لزوم جبران ضرر معنوی، نه از منظر فقه و نه حقوق، تردیدی نیست، اما در خصوص امکان جبران آن به شیوه مادی و از طریق پرداخت پول، بحث فراوانی وجود دارد. سیره عملی رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)، نظرات برخی فقها و در دهه اخیر، وضع تبصره ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مؤید امکان جبران خسارت مزبور از طریق پرداخت پول هم هست، اگرچه در خصوص چگونگی تعیین میزان وجه، مشکل باقی است. با این حال به نظر می‌رسد قاضی باید به اوضاع و احوال حاکم بر قضیه توجه کند و بر اساس آن، میزان غرامت را تعیین کند.

واژگان کلیدی: جبران خسارت، خسارت معنوی، غرامت، پرداخت وجه.

* استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

mirshekariabbas1@yahoo.com

** استادیار گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد پردیس (نویسنده مسئول).

rasoolmalakooti@yahoo.com

مقدمه

دو دعوای جداگانه با طرفین متفاوت علیه شرکت‌های هواپیمایی به خواسته جبران خسارت مادی و معنوی ناشی از لغو و تأخیر پرواز مطرح شده است. در دعوای اول، خواهان مسافر یکی از شرکت‌های هواپیمایی داخلی است که از تهران قصد مسافرت به مشهد را داشته است، اما با تأخیر چندین ساعته پرواز مواجه و با تقدیم دادخواست، مدعی ورود خسارت مادی و معنوی شده است. نهایتاً شعبه ۱۱ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی امام خمینی شهرستان مشهد به موجب دادنامه شماره ۱۳۷۶/۱۳۷۶۱۰۹۹۷۷۵۷۶۱۰ مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۳۰ موضوع شماره بایگانی ۹۶۰۵۶۹ اقدام به صدور رأی نموده که البته با عدم تجدیدنظرخواهی دادباخته، قطعی و منجر به صدور اجرائیه شماره ۹۹۱۰۴۲۷۵۷۶۱۰۰۱۲۳ مورخ ۱۳۹۹/۶/۳ شده است. در دعوای دوم، خواهان مسافر یکی از شرکت‌های هواپیمایی داخلی است که با تهیه بلیط قبلی، قصد عزیمت از استامبول به ارومیه را داشته که علی‌رغم حضور در موعد مقرر متوجه لغو بدون اطلاع قبلی پرواز و حتی عدم تهیه پرواز جایگزین از سوی شرکت هواپیمایی خوانده شده است. وی در نهایت با تحمل هزینه‌های مادی و معنوی، خود را به وطن رسانده و به موجب دادخواست، خسارت‌هایی را که دیده مطالبه کرده است. در نهایت در این پرونده، دادنامه شماره ۹۷۰۹۹۷۰۹۴۳۵۰۱۰۲۰ مورخ ۱۳۹۷/۹/۱۷ از سوی شعبه ۲۲۹ دادگاه حقوقی تهران صادر شده است. در هر دو پرونده، دادگاه ضمن پذیرش ادعای خواهان مبنی بر ورود آسیب معنوی، خوانده را به عذرخواهی محکوم می‌کند. البته در پرونده دوم، دادگاه افزون بر عذرخواهی، خسارت معنوی خوانده را به پول نیز ارزیابی می‌کند. پرسش اصلی این مقاله این است که آیا تصمیم این دو دادگاه در پذیرش سزاواری خواهان‌ها برای جبران زیان معنوی، با مبانی فقهی و قانونی ما سازگار است؟ به علاوه، آیا روشی که دو دادگاه برای ارزیابی و سپس جبران زیان معنوی در نظر گرفته‌اند درست می‌باشد؟ به این منظور ابتدا سعی می‌شود رویکرد نظام حقوقی اسلام و سپس ایران در این باره بررسی شود. بعد از آن به سراغ آرای صادره رفته و تلاش می‌شود با توجه به آنچه در خصوص مبانی فقهی و حقوقی موضوع گفته شد، آرای صادره نقد شود. با این حال پیش از این‌ها لازم است که متن کامل هر دو رأی آورده شود.

۱. مشروح آرای صادره

متن رأی صادره اول بدین شرح است: «در خصوص دعوای خواهان آقای ... به طرفیت خواننده شرکت هواپیمایی ... به خواسته ۱- صدور حکم بر محکومیت خواننده به پرداخت خسارت معنوی ۲- الزام به ایفای تعهد مالی مبنی بر محکومیت خواننده به ارائه یک فقره بلیط مشابه (تهران مشهد) با تخفیف ۲۰ درصد به مبلغ ۶/۰۰۰/۰۰۰ ریال ۳- الزام به ایفای تعهد غیر مالی مبنی بر عذرخواهی و درج حکم در جراید به موجب ماده ۱۰ قانون مسئولیت مدنی. با این توضیح که خواهان اعلام داشته که وی در تاریخ ۱۳۹۶/۵/۶ مسافر پرواز شماره ۱۱۱۷ شرکت خواننده از مبدأ تهران به مقصد مشهد بوده که ... با تأخیر در پرواز به مقصد رسیده که در نتیجه وقت مسافران بی جهت هدر شده و از آنجا که به قصد دیدار پدر بزرگشان که دارای بیماری بوده به جهت فشار روحی و روانی ناشی از بلا تکلیفی در نرسیدن به محفل دیدار ایشان، تقاضای دریافت خسارت معنوی از شرکت خواننده را نموده است. وکیل خواننده در دفاع در ماهیت دعوا، علت تأخیر در پرواز را نقص فنی اعلام و آن را از عوامل فورس‌ماژور تلقی و تعهدات شرکت در قبال تأخیر پرواز را منبث از ماده ۵ قانون هواپیمایی کشور شامل پذیرایی میان‌وعده و استرداد بلیط دانسته است. دادگاه با ... احراز تقصیر خواننده و تأخیر پرواز اعتقاد دارد که بر اساس موازین قانونی شیوه‌های جبران خسارت اعلامی توسط خواننده نافی مسئولیت قانونی وی در جبران سایر خسارت‌ها اعم از مادی یا معنوی نخواهد بود. لذا اولاً در مورد خواسته خواهان در جبران خسارت مادی با توجه به اینکه ضرر مادی هر چیزی است که باعث کاهش دارایی مثبت و یا افزایش دارایی منفی و یا محرومیت از منافع ممکن‌الحصول شود که سابقه استیفا داشته و فرد به واسطه رفتار دیگری از آن محروم شده است و اینکه در لزوم جبران خسارت مادی علاوه بر وجود فعل زیان‌بار یا نامشروع ورود ضرر و زیان به مدعی و وجود رابطه سببیت بین رفتار مرتکب و خسارت ضروری به نظر می‌رسد. در مانحن‌فیه با توجه به زمان حرکت پرواز هواپیما و اینکه با توجه به شغل خواهان که وکیل دادگستری معرفی گردیده‌اند و به ساعت غیر اداری متمسک شده امکان استفاده از شیوه‌های نوین جهت انجام مشاوره به موکلین و انجام امور مربوط به وکالت فراهم بوده و از طرفی حسب ادعای خواهان وقت و زمانی که از وی هدر گردیده به قصد انجام امر غیر مالی دیدار پدر بزرگ کهنسالش بوده ... همچنین از ناحیه خواهان دلیل موجهی بر ورود ضرر و زیان و از دست رفتن منافع ممکن‌الحصول

که در آن زمان امکان استیفای آن وجود داشته و به سبب رفتار شرکت خواننده از بین رفته باشد، ارائه نگردیده است و اینکه حسب اظهار نظر کارشناس منتخب دادگاه که مصون از تعرض طرفین باقی مانده است اگرچه این موضوع بار روانی و استرس زیادی برای خواهان به دنبال داشته ولی باعث بیماری جسمی و صدمات بدنی قابل اثباتی در وی نشده است. بدین جهت امکان تعیین خسارت جانی برای مشارالیه نمی‌باشد. لذا دادگاه نظر به مراتب فوق، خواهان را مستحق دریافت خسارت مادی ندانسته و مستنداً به ماده ۱ از قانون مسئولیت مدنی و ماده ۱۹۷ قانون آیین دادرسی مدنی حکم بر بی‌حقی وی را از این قسمت خواسته صادر می‌نماید و نسبت به خواسته دیگر خواهان دایر بر محکومیت خواننده به ارائه یک بلیط مشابه (تهران به مشهد) با توجه به اینکه به موجب بند ج ماده ۲ آیین‌نامه حقوق مسافر در پرواز داخلی یکی از تعهدات خواننده در صورت تأخیر در پرواز اهدای یک فقره بلیط مشابه با تخفیف ۳۰ درصد به مسافرین مربوطه می‌باشد لذا با توجه به تأخیر در پرواز صورت گرفته دادگاه شرکت خواننده را به استناد ماده مرقوم به ارائه یک بلیط مشابه (تهران مشهد) با ۳۰ درصد تخفیف در هر زمان که مورد درخواست خواهان بود، محکوم می‌نماید. و در خصوص خواسته دیگر خواهان مبنی بر جبران خسارت معنوی، دادگاه با توجه به اینکه بر خلاف دفاعیات وکیل شرکت خواننده نقص فنی هواپیما که علت تأخیر در پرواز اعلام شده امری غیر قابل پیش‌بینی و غیر قابل جبرانی نبوده تا شرایط استناد به قاعده مذکور فراهم شود چه آنکه به کارگیری هواپیماهایی با سابقه استفاده طولانی مدت وجود نقص فنی را در هر زمانی قابل پیش‌بینی می‌نماید که وجود و در نظر گرفتن هواپیمای جایگزین در به کارگیری به جای هواپیمای دارای نقص فنی در جهت رعایت حقوق مسافران و اقدام به دقت در وقت و زمان ایشان و سایر مسافران را امری منطقی جلوه می‌نماید و از طرفی موازین شرعی و قانونی از جمله قاعده لاضرر و لاضرار فی‌الاسلام و مفاد اصل ۱۷۱ قانون اساسی و صراحت مفاد ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری ضرر و زیان معنوی را قابل مطالبه دانسته، ضرر و زیانی که مستلزم صدمات روحی یا هتک حیثیت و اعتبار شخصی خانوادگی و اجتماعی تعریف گردیده و ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ ... همچنین ماده ۲ قانون مذکور ... همچنین مفاد تبصره ۱ ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری نیز طرق جبران خسارت معنوی را شامل پرداخت خسارت مالی، الزام افراد به عذرخواهی و درج حکم در جراید را شامل آن تعیین نموده است. لذا دادگاه نظر به

مراتب فوق ... و معطلی و سردرگمی و سرگردانی مسافران و شخص خواهان و فشار روحی و روانی ناشی از بلا تکلیفی خود در نتیجه رفتار شرکت خوانده به خواهان تحمیل گردیده است و نظریه کارشناس منتخب دادگاه نیز مصون از اعتراض باقی مانده نیز مؤید این امر می‌باشد. لذا دادگاه با احراز رابطه سببیت بین رفتار شرکت خوانده و صدمات روحی و روانی وارده به خواهان، ... شرکت خوانده را مسئول جبران خسارت معنوی دانسته و با التفات به خواسته خواهان در جلسات دادرسی و توجیه تعیین نوع جبران خسارت جهت آگاهی عموم از حقوق خود و لزوم پاسخگویی شرکت هواپیمایی مختلف و توجه به معیارهای انسانی از قبیل احترام به وقت و زمان و حقوق مسافران و لزوم حفظ آرامش آنان، حکم به الزام شرکت هواپیمایی ... به عذرخواهی از خواهان به عنوان مسافر پرواز شماره ۱۹۱۷ مورخ ۱۳۹۶/۶/۵ از مبدأ تهران به مشهد در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار همزمان با درج حکم در آن روزنامه صادر و اعلام می‌نماید ...»

در دادنامه دوم نیز چنین آمده است: «در خصوص دادخواست ... به طرفیت شرکت هواپیمایی ... به خواسته مطالبه خسارت مادی و معنوی ناشی از لغو پرواز بدین توضیح مختصر که ایشان در تاریخ ۱۳۹۶/۱۰/۲۴ بلیط رفت و برگشت از ارومیه به مقصد استانبول تهیه می‌نماید ... لیکن پس از مراجعه به فرودگاه استانبول با پرواز کنسل شده مواجه می‌گردد و تماس‌های وی با شرکت خوانده جهت تعیین تکلیف وی بلا نتیجه می‌ماند و از آنجا که ارزش مکفی به همراه ندارد نمی‌تواند از شرکت‌های هواپیمایی آن شهر بلیط برگشت تهیه نماید و التماس‌های وی که استاد دانشگاه می‌باشد مؤثر واقع نمی‌گردد تا اینکه فردی ایرانی به وی مبلغی قرض و نهایتاً با عزیمت به تبریز و از آنجا به ارومیه به منزل خویش می‌رسند لذا به لحاظ بحران روحی پیش آمده برای وی در ترکیه تقاضای مطالبه خسارت معنوی و مادی مطرح می‌نمایند. نماینده خوانده در جلسه دادرسی حاضر شده لیکن دفاع موجهی از خویش معمول نمی‌نماید و اعلام می‌دارد که شرکت حاضر است وجه بلیط پرداخت شده به شرکت را مسترد نماید. لیکن در خصوص دلیل لغو شدن پرواز مطالبی که اثبات نماید عوامل فورس‌ماژور موجب این امر شده یا حتی تقصیری به وی منتسب نیست، بیان نمی‌دارد. دادگاه با توجه به تحقیقات معموله از شاهدی که وضعیت روحی خواهان را مشاهده نموده‌اند به موجب نیابت قضایی ... خواسته خواهان را وارد می‌داند چراکه:

۱- بر طبق آیه شریفه «وفوا بالعقود» اشخاص مکلف هستند به تعهدات خویش

پایبند بوده و به آن بها دهند و این اهمیت به مفاد پیمان، ضامن بقای روابط اجتماعی و اعتماد مسلمین به یکدیگر می‌باشد و رعایت حدیث المسلمون عند شروطهم بر همگان لازم است تا ضمن رواج راستگویی از برهم خوردن نظم در جامعه جلوگیری به عمل آید. لذا شرکت خواننده مکلف بوده‌اند تعهد خویش را اجرا نمایند و از آنجا که بدون هیچ دلیل موجهی از ایفای تعهد خویش سر باز زده‌اند مرتکب تقصیر قراردادی شده‌اند.

۲- به موجب حدیث نبوی لاضرر و لاضرار فی الاسلام، ضرر رسانیدن به دیگران در دین اسلام نهی شده و ممنوع می‌باشد. و این ضرر عبارت است از ضرر به مال و یا عرض و آبرو و شأن و جایگاه فرد می‌باشد که به مراتب اهمیت و جایگاه والاتری نسبت به مال دارد کما اینکه در احادیث مختلف حضرات معصومین علیه‌السلام مکرراً تذکر داده‌اند که عرض و آبروی مؤمن باید از گزند رفتارهای نابهنجار دیگران در امان بماند.

۳- هرچند خسارت معنوی قابل ارزش‌گذاری مادی نیست لیکن این امر بدان معنی نمی‌باشد که نباید به جبران آن توجه کرد چراکه جبران نشدن خسارت وارده به روح و روان افراد و به طور کلی خسارت معنوی موجب تجری بیشتر کسانی می‌گردد که در پی سرکشی و تعدی به حقوق سایرین هستند و یا حداقل موجب بی‌مبالاتی و ناچیز انگاشتن شأن و جایگاه و شخصیت اجتماعی دیگران می‌گردد و این موضوع به صراحت در اصل ۲۲ و ۱۷۱ قانون اساسی که میثاق ملی کشور است و در ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی قید گردیده است که واردکننده خسارت معنوی مسئول جبران ناشی از عمل خود می‌باشد و این قابل تقویم نبودن خسارت (عدم امکان کارشناسی) بنا به صراحت مواد ۱ و ۲ و ۳ و ۵ همان قانون موجب نخواهد شد که دادگاه میزان خسارت را با توجه به اوضاع و احوال قضیه تعیین نماید. و در ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری نیز دادگاه مکلف شده است جبران خسارت معنوی را مدنظر قرار دهد. از سوی دیگر نظریه علمای حقوق نیز به این امر استوار است که تعیین رقمی جهت خسارت معنوی ولو آنکه تعیین مبلغ نمی‌تواند مجموع آلام و خسارات را جبران نماید لیکن بر نادیده انگاشتن آن ارجح بوده و حداقل موجب تشفی خاطر زیان‌دیده خواهد شد.

۴- در عرف مسلم شرکت‌های هواپیمایی در سطح جهان این امر مورد قبول همگانی است که شرکت فروشنده بلیط و متصدی حمل و نقل در مقابل دیر رسیدن مسافر به مقصد احساس مسئولیت نموده و به جهت رفاه حال مسافر موضوع تهیه وسایل رفاهی و تغذیه و حتی امکان تماس با خانواده یا افراد دیگر و یا حتی اسکان در هتل

تمهیداتی اندیشیده و در اسرع وقت پرواز جایگزین تعریف نماید. لکن شرکت خواننده از ارائه هرگونه سرویسی در این خصوص خودداری کرده است هرچند این عرف بخشی از رفتار شرکت‌های هواپیمایی به منظور مشتری‌مداری و جذب مشتری می‌باشد لکن نمی‌توان نقش کنوانسیون‌ها و پروتکل‌های بین‌المللی همانند ورشو و گواتمالا و مقررات اتحادیه اروپا در خصوص حقوق مسافران پروازهای هوایی و پروتکل لاهه ۱۸۵۵ را کمرنگ دانست که به موجب هر کدام از آن، تعهداتی برای متصدی حمل و نقل تعریف شده است و از آنجا که کنوانسیون مربوط به یکسان‌سازی برخی مقررات حمل و نقل هوایی بین‌المللی ورشو ۱۹۲۹ و پروتکل اصلاحی لاهه ۱۹۵۵ مورد پذیرش قرار گرفته و ایران بدان ملحق شده است لذا مقررات آن در حقوق داخلی قابل اجرا می‌باشد. از سوی دیگر راجع به پروازهای داخلی نیز قانونگذار به منظور پاسخگو شدن هرچه بیشتر شرکت‌های هواپیمایی نسبت به قصور خود در برابر مسافران به موجب قانون تعیین حدود مسئولیت شرکت‌های هواپیمایی ایران مصوب ۱۳۹۱، حدود و تکالیف شرکت‌های هواپیمایی را بیان می‌نماید و نهایتاً قانونگذار در قانون اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به پروتکل اصلاحی ۱-۲ و ۴ کنوانسیون ورشو و اصلاحی آن به موجب پروتکل لاهه مربوط به یکسان کردن برخی از مقررات حمل و نقل هوایی بین‌المللی حدود جدیدی جهت مسئولیت شرکت‌های هواپیمایی بیان می‌دارد. لذا از ماحصل تمام تلاش‌های بین‌المللی راجع به تهیه متن کنوانسیون‌ها و پروتکل‌ها و رویه قضایی محاکم در سطح کشورهای عضو، این امر را به عنوان قدر مسلم باید پذیرفت و در واقع متون کنوانسیون‌ها و پروتکل‌ها و حتی مقررات مصوب مجلس امری فراتر از مسئولیت عرفی و مسلم مذکور نمی‌باشد و صرفاً تأکیدی است بر مسئولیت متصدی حمل و نقل که نحوه و کیفیت مطالبه خسارت از ناحیه زیان‌دیده را ترسیم و تعریف می‌نماید و در پاره‌ای از موارد سقف مسئولیت شرکت‌ها را بیان داشته است و آن‌گونه که ادعای فقدان مسئولیت شرکت در مقابل مسافر خارجی در محکمه خارجی قابل استماع نیست در مقابل مسافر ایرانی نیز نمی‌توان مسئولیت شرکت‌های هواپیمایی را باور نداشت.

۵- آنچه دادگاه را در پرونده حاضر به پذیرش ادعای خواهان مجاب نموده است نه صرفاً نفس خلف وعده شرکت خواننده در لغو شدن پرواز می‌باشد بلکه بیشتر بی‌اهمیتی به وضعیت مسافری می‌باشد که در کشوری دیگر رها نموده است و اندیشه‌ای در ذهن خود نمی‌پروراند که چگونه وی را به وطن خویش بازگرداند این بی‌توجهی نه تنها

به تهیه پرواز جایگزین بلکه حتی به وضعیت تغذیه یا اسکان وی نیز می‌باشد تا جایی که فردی که از جمله اساتید دانشگاهی و از نخبگان این میهن می‌باشد برای رفع نیازهای خود و بازگشت به وطن مجبور گردد در مقابل هر فردی دست کمک دراز نماید و در مقابل بیگانگان ابن‌السبیل گردد و شخصیت اجتماعی خویش را در پس نگاه‌های تحقیرآمیز دیگران خرد شده بیند لذا این دادگاه توجهاً به مواد فوق‌الاشاره و مفاد کنوانسیون‌های بیان شده و عرف مسلم بین‌المللی مستنداً به مواد ۲۲۰ و ۲۲۵ و ۲۲۶ قانون مدنی و ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی شرکت خوانده را ... به عنوان جبران خسارت معنوی وارده و صرفاً به منظور تشفی خاطر زیان‌دیده به پرداخت ۵ برابر وجه بلیط اخیرالذکر در حق خواهان محکوم می‌نماید. همچنین ... شرکت خوانده را به عذرخواهی رسمی در یکی از جراید کثیرالانتشار مکلف می‌نماید ...»

۲. بررسی رویکرد نظام حقوق اسلام و ایران نسبت به زیان معنوی

۲-۱. بررسی رویکرد نظام حقوق اسلام نسبت به زیان معنوی

دو ماجرای تاریخی در صدر اسلام می‌تواند مؤید پذیرش قابلیت مطالبه زیان معنوی از سوی شارع باشد.

نخست ماجرای است که به واسطه مزاحمت‌های سمره بن جندب نسبت به شخصی از انصار پیش آمد به این‌گونه که وی مالک نخلی در خانه شخصی از انصار بود که با حضور گاه و بی‌گاه موجب هتک حریم و سلب آسایش وی شده بود. انصاری از پیامبر اکرم برای رفع این مزاحمت و جلوگیری از هتک عرض خود دادخواهی کرد و سرانجام با لجاجت سمره و رد پیشنهادهای پیامبر، حکم به قلع درخت و زائل ساختن منشأ زیان با بیان تعلیل‌گونه «لاضرر و لاضرار» صادر شد (کلینی، ۱۴۰۷، ص ۲۹۲).

حادثه دیگر نیز از این قرار است که در نتیجه زیاده‌روی خالد بن ولید در انجام مأموریت محوله، قبیله بنی‌خدیمة بن عامر مورد حمله قرار گرفته و به ایشان خسارت مادی، جانی و معنوی وارد شد. پیامبر بعد از اطلاع و ابراز انزجار از عمل خالد بن ولید، به امام علی (ع) مأموریت داد تا خسارت وارده را جبران و ایشان را راضی کند. حضرت علاوه بر پرداخت اقسام خسارت مادی و جانی وارده از طریق پرداخت دیه و قیمت اموال و اشیاء، مالی را نیز به عنوان جبران هراس و ترسی که از طریق حمله به ایشان وارد شده بود، پرداخت کرد. پس از ارائه گزارش انجام مأموریت به پیامبر، ایشان عمل امام

علی (ع) را تأیید و از ایشان تجلیل کردند (زمخشری، ۱۳۶۴، ص ۱۸۲ و واقدی، ۱۴۰۹، ص ۸۷۶). از اقدام حضرت علی و تأیید پیامبر می‌توان این برداشت را صحیح دانست که در سیره، زیان معنوی قابل جبران است؛ زیرا هراس و ترس بی‌گمان زیان معنوی است. به علاوه اینکه برای جبران این نوع از زیان پول پرداخت می‌شود نشان‌دهنده این است که این نوع از زیان را می‌توان با پول جبران کرد. جدای از این‌ها حضرت علی (ع) ملاک اصلی برای تقویم خسارت معنوی را رضایت زیان‌دیدگان معرفی می‌کنند.^۱ این امر نشان می‌دهد که هدف اصلی از پرداخت پول در زیان معنوی لزوماً جبران زیان وارده نیست که به طور خاص در زیان معنوی امکان‌پذیر نمی‌باشد، بلکه هدف اصلی آرام کردن زیان‌دیده و تسکین و اطمینان و تشفی خاطر مجروح اوست.

با این حال و با وجود این دو ماجرا، در کتب فقهی مباحث فراوانی در خصوص لزوم جبران زیان معنوی دیده نمی‌شود. علت اصلی این امر را باید به اقتضای جوامع آن روز مسلمین مربوط دانست؛ چراکه در آن زمان زیان معنوی مسئله مهم و اساسی تلقی نمی‌شد. طبعاً این امر در چگونگی پرداختن به زیان معنوی تأثیرگذار بوده است (ملکوتی، ۱۳۹۷، ص ۸۴). با این حال با توجه به دو ماجرای یاد شده و نیز با توجه به احادیثی که در لزوم احترام به آبرو و اعتبار دیگری وارد شده‌اند، تردیدی در لزوم جبران زیان معنوی باقی نمی‌ماند،^۲ به خصوص آنکه ملاک اصلی برای تعیین مصادیق ضرر عرف است (نراقی، ۱۳۷۵، ص ۵۷). عرف امروز نیز در لزوم شناسایی آسیب به آبرو و حیثیت به عنوان زیان، تردیدی ندارد. با توجه به همین نکته است که برخی از فقها به روشنی لطمه وارده به آبرو و حیثیت دیگری را زیان تلقی کرده و در لزوم جبران آن تردید نکرده‌اند.^۳

۱. «فأعطيتهم ليرضوا عنك» (به ایشان پرداختم تا از تو راضی باشند).

۲. «سباب المؤمن كالمشرف على الهلكة»؛ «إن الله عز و جل خلق المؤمنين من نور عظمته و جلال كبريائه فمن طعن عليهم ورد عليهم فقد رد على الله في عرشه، و ليس من الله في شيء، و إنما هو شرك الشيطان»؛ «إذا اتهم المؤمن أخاه انما اتهم الايمان في قلبه كما ينمات الملح في الماء»؛ «من نظر إلى مؤمن نظره ليخيفه بها أخافه الله عز و جل يوم لا ظل إلا ظله» (شیخ حر عاملی، ۱۴۱۲، ج ۸، صص ۶۱۶-۶۱۱).

۳. «و علی کل حال الظاهر من لفظ الضر عرفاً هو النقص فی ماله، أو عرضه، أو نفسه، أو فی شیء من شؤونه بعد وجوده أو بعد وجود المقتضى القريب له بحيث يراه العرف موجوداً» (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۲۱۴)؛ «و أما العرض: فضابطه ما هو داخل فی احترام المكلف، لیكون هتکه موجباً لذلته و انكساره بین الناس، فمن تعدى علی زوجته أو تطلع علی عورتها أو دخل علی عیاله أو ما يتعلق به من المحارم و النساء أو اغتابه أو اتهمه أو طعن علیه فی وجهه أو أظهر شيئاً مما لا یرضی بظهوره، فهو هتک للعرض، إضرار فی الحقيقة، و مثل ذلك يعد ضرراً. و دعوی: انصراف (الضرر) إلى المال و البدن أو عدم شموله لمثل ذلك، ممنوع، بل الحق أن ذلك كله ضرر و إضرار، و یجیء توضیحه، و يدلُّ علیه رواية سمره كما مرت و مثل ذلك فعل شیء یوجب الاستخفاف

۲-۲. بررسی رویکرد نظام حقوقی ایران نسبت به زیان معنوی

قانون مدنی از میان اقسام سه‌گانه زیان، تمام توجه خویش را به زیان‌های مالی معطوف کرده است، گویی تنها زیان‌های مالی اهمیت دارند و زیان‌های معنوی و بدنی مهم نیستند. در واقع، در باب «در الزاماتی که بدون قرارداد حاصل می‌شود» از قانون مدنی، تماماً سخن از زیان‌هایی گفته شده که به مال و حقوق مالی اشخاص وارد می‌شود، گویی که حقی به‌جز حقوق مالی وجود ندارد. این رویکرد در تعاریفی که قانونگذار از اتلاف و تسبیب ارائه می‌کند نیز به خوبی روشن می‌شود. بر اساس ماده ۳۲۸ این قانون، «هرکس مال غیر را تلف کند ضامن آن است و باید مثل یا قیمت آن را بدهد ...» و بر اساس ماده ۳۳۱ همان قانون، «هرکس سبب تلف مالی بشود باید مثل یا قیمت آن را بدهد ...». این رویکرد در مواد مربوط به غصب و استیفا نیز ادامه پیدا می‌کند (مواد ۳۰۸، ۳۳۶ و ۳۳۷).

حتی به نظر می‌رسد در ادعایی قابل باور، بشود گفت که از نظر قانون مدنی، زیان لطمه‌ای است که تنها به اموال وارد می‌شود و لطمه به سایر حقوق از جمله حقوق معنوی و بدنی، به عنوان زیان قابل تعریف نیستند. برای اثبات این باور کافی است به موادی که در سرتاسر قانون مدنی از ضرر یا زیان سخن گفته‌اند، توجه بشود. در واقع قانونگذار در جلد نخست قانون مدنی، هر جا از واژه زیان استفاده کرده (مانند مواد ۵۲، ۱۰۰ و ...)، در بستر حقوق مالی بوده است. بی‌اعتنایی قانونگذار به زیان‌های غیر مالی در جلد دوم قانون مدنی نیز ادامه می‌یابد. در واقع قانونگذار در جلد دوم تنها در یک مورد، از زیان‌های غیر مالی سخن گفته است. بر اساس بخشی از ماده ۱۱۱۵، «اگر بودن زن با شوهر در یک منزل متضمن خوف ضرر بدنی یا مالی یا شرافتی برای زن باشد زن می‌تواند مسکن علی‌حده اختیار کند و در صورت ثبوت مظنه ضرر مزبور، محکمه حکم بازگشت به منزل شوهر نخواهد داد ...». طبیعتاً این ماده نیز به حوزه حقوق مسئولیت مدنی ارتباط ندارد. در سایر مواد جلد دوم نیز هر جا که قانونگذار از واژه ضرر استفاده کرده، آن را قرین اموال و حقوق مالی قرار داده است (مانند مواد ۱۱۸۴، ۱۲۳۸ و ۱۲۳۹).

در راستای همین رویکرد، حتی در بحث خسارات ناشی از برهم زدن نامزدی نیز قانونگذار به زیان‌های مالی چشم دوخته است. به موجب ماده ۱۰۳۶ این قانون، «اگر

و المهانه ولو بترک بعض التعارفات العادیه الی لیس من شأنها أن یتبرک بالنسبه إلیه، فإن ذلک کله داخل فی الإضرار بالعرض و إسقاط الاحترام» (مراغه‌ای، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۳۰۹).

یکی از نامزدها وصلت منظور را بدون علت موجهی به هم بزند در حالی که طرف مقابل یا ابوبین او یا اشخاص دیگر به اعتماد وقوع ازدواج مغرور شده و مخارجی کرده باشند طرفی که وصلت را به هم زده است باید از عهده خسارات وارده برآید ولی خسارات مزبور فقط مربوط به مخارج متعارفه خواهد بود.» در واقع قانونگذار به صورت مطلق از عبارت «خسارت وارده» استفاده کرده و به این حکم می‌دهد که «طرفی که وصلت را به هم زده است باید از عهده خسارات وارده برآید»، اما همان‌گونه که روشن است، در جملات نخستین ماده تنها سخن از زیان مربوط به مخارجی است که طرف دیگر به اعتماد وقوع ازدواج متحمل آنها شده است. برای همین، در انتهای ماده و بعد از حکم به لزوم جبران زیان، دامنه خسارات قابل مطالبه به مخارج متعارف محدود می‌شود. بدین ترتیب، این ماده که شاید می‌شد یکی از فرصت‌های مناسب برای طرح زیان‌های معنوی به شمار آید، به آسانی از دست می‌رود و قانونگذار ترجیح می‌دهد در مبحث مربوط به نامزدی هم به زیان مالی بپردازد.

با این حال، این کاستی قانون مدنی در قوانین بعدی تا اندازه‌ای جبران شد. در نخستین گام، ماده ۲۱۲ قانون اصلاح مواد ۲۰۷ الی ۲۱۴ قانون مجازات عمومی مصوب ۲۹ شهریور ماه ۱۳۱۲ شمسی در کمیسیون قوانین عدلیه، به روشنی خسارت معنوی را در جنحه و جنایات ضد عفت و اخلاق عمومی پذیرفت. بر اساس این ماده، «هرکس مرتکب یکی از جرم‌های مذکور در ماده ۲۰۷ و ۲۰۸ و ۲۰۸ مکرر و ۲۰۹ گردد، علاوه بر مجازات‌های مقرر به تأدیه خسارات معنوی مجنی‌علیه که در هر حال کمتر از ۵۰۰ ریال نخواهد بود، محکوم می‌شود.» از لحن این ماده برمی‌آید که از نظر قانونگذار، خسارت معنوی قرار است فقط با پول جبران شود. برای همین، حداقلی نیز برای آن تعیین شده است. کمی بعد در لایحه قانونی اصلاح قسمتی از مواد آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۳۵، قانونگذار در ماده ۹، خسارت معنوی یعنی ضرر و زیان مربوط به کسر حیثیت یا اعتبار اشخاص یا صدمات روحی ناشی از جرم را قابل جبران دانست. این رویه در قوانین دیگری نیز تکرار شد. برای نمونه بر اساس ماده ۸ لایحه قانونی راجع به چک بی‌محل مصوب ۱۳۳۷، «در موردی که صادرکننده نسبت به چک ادعای جعل نموده و از عهده اثبات آن برنیاید دادگاه او را علاوه بر کیفر مقرر در بند ب ماده ۲۳۸ مکرر قانون کیفر همگانی به یک ربع وجه چک برای تأمین خسارت معنوی ... به سود مدعی خصوصی محکوم خواهد نمود.» یا به موجب تبصره ۱ ماده ۲۰ لایحه قانونی مطبوعات مصوب

۱۳۳۴، «... شاکی نیز می‌تواند برای مطالبه خسارت مادی و معنوی که از نشر مطالب مزبور بر او وارد آمده به دادگاه حقوقی دادخواست تقدیم نماید و دادگاه مکلف است نسبت به آن رسیدگی و مبلغ خسارت را تعیین و مورد حکم قرار دهد.»

در ادامه این مسیر، قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ به روشنی زیان معنوی را قابل مطالبه دانست. در واقع در چندین ماده از این قانون از جمله مواد ۱، ۲ و ۹ به روشنی به لزوم جبران زیان معنوی حکم داده شده است. پس از انقلاب نیز در عالی‌ترین سند قانونگذاری یعنی قانون اساسی، بر لزوم جبران زیان معنوی تأکید شد، چنانکه بر اساس اصل ۱۷۱ قانون اساسی، «هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت، خسارت به وسیله دولت جبران می‌شود و در هر حال، از متهم اعاده حیثیت می‌گردد.» در همین مسیر، در شهریور ۱۳۵۸ شورای انقلاب لایحه قانونی مطبوعات را به تصویب رساند و در ماده ۲۴، خسارت معنوی را به صراحت پذیرفت: «انتشار هر نوع مطلب یا خبر مشتمل بر تهمت یا افترا یا فحش و الفاظ رکیک یا نسبت‌های توهین‌آمیز و نظایر آن نسبت به اشخاص ممنوع است.» تبصره ۱ ماده مزبور نیز مقرر کرده بود که «در موارد فوق شاکی (اعم از حقیقی یا حقوقی) می‌تواند خسارت مادی و معنوی ناشی از جرم را مطالبه کند ...»

با وجود این، اندکی پس از این، تردیدها آغاز شد. نظر کمیسیون استفتائات شورای عالی قضایی مبنی بر فقدان جواز شرعی مطالبه زیان معنوی (پرسش و پاسخ، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۳۹) و نظریه شورای نگهبان در مورد تبصره ۱ ماده ۳۰ قانون مطبوعات در تاریخ ۱۳۶۴/۹/۵ مبنی بر «تغایر تقویم خسارت معنوی به مال و امر مادی با موازین شرعی» (مدنی، ۱۳۸۸، ج ۴، ص ۶۶) نشان‌دهنده همین تردیدهاست. این رویکرد تا بدانجا پیش رفت که قابلیت مطالبه خسارت معنوی از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ حذف شد.

با این حال، اندک اندک این تردیدها از میان رفت و نویسندگان بر امکان مطالبه زیان معنوی پافشاری کردند (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ص ۲۷۲). در نظریات رسمی نیز تصریح شد که «مقررات مربوط به مطالبه ضرر و زیان مادی و معنوی (نیز) نسخ نشده و اصل ۱۷۱ ق.ا. هم به این قبیل خسارات تصریح کرده است.»^۱ در ادامه، قانونگذار نیز با این

۱. نظریه مشورتی اداره حقوقی به شماره ۷/۵۹۴۷ به تاریخ ۱۳۶۸/۱۰/۳ (نقل از: شهری، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۳).

مسیر عادلانه همراه شد، چنانکه در ماده ۲۱ قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب ۱۳۸۸ چنین مقرر شد: «هر شخصی اعم از حقیقی یا حقوقی که در نتیجه انتشار اطلاعات غیر واقعی درباره او به منافع مادی و معنوی وی صدمه وارد شده است حق دارد تا اطلاعات مذکور را تکذیب کند یا توضیحاتی درباره آنها ارائه دهد و مطابق با قواعد عمومی مسئولیت مدنی جبران خسارت‌های وارد شده را مطالبه نماید.» جدای از این حکم ویژه، قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نیز زیان‌های معنوی را به رسمیت شناخت. بر اساس ماده ۱۴ این قانون، «شاک می‌تواند جبران تمام ضرر و زیان‌های مادی و معنوی و منافع ممکن‌الحصول ناشی از جرم را مطالبه کند.» تبصره ۱ ماده یاد شده نیز تعریفی از زیان معنوی ارائه داده و بر روش معمول در جبران این‌گونه از زیان تأکید می‌کند: «زیان معنوی عبارت از صدمات روحی یا هتک حیثیت و اعتبار شخصی، خانوادگی یا اجتماعی است. دادگاه می‌تواند علاوه بر صدور حکم به جبران خسارت مالی، به رفع زیان از طرق دیگر از قبیل الزام به عذرخواهی و درج حکم در جراید و امثال آن حکم نماید.» با وجود اطلاق این حکم، در تبصره ۲ این ماده تلاش شده تا قلمرو مطالبه ضرر معنوی محدود شود، چنانکه در این تبصره می‌خوانیم: «... همچنین، مقررات مرتبط به منافع ممکن‌الحصول و ضرر معنوی شامل جرایم موجب تعزیرات منصوص شرعی و دیه نمی‌شود.»^۱ بدین ترتیب، در جرایم تعزیری و نیز مستوجب دیه تنها باید به اعمال تعزیر و دریافت دیه بسنده کرد و زیان معنوی در این موارد قابل مطالبه نیست؛ دیدگاهی که اصل جبران کامل خسارات را نادیده گرفته و سبب بدون جبران ماندن بخشی از زیان‌های وارده می‌شود. به‌ویژه عدم امکان جمع تعزیر و زیان معنوی بیشتر قابل انتقاد به نظر می‌رسد؛ چه با توجه به ماهیت جداگانه هر یک (مسئولیت کیفری و مدنی) دلیلی برای عدم امکان جمع آنها وجود ندارد.

۳. نقد آرای صادره

۳-۱. نقش قوه قاهره

تعهد خواننده در هر دو پرونده، تعهد قراردادی است. طبیعتاً خواننده باید به تعهد

۲. درج این تبصره به خواسته شورای نگهبان صورت گرفته است، چنانکه در نظریه شماره ۹۰/۳۰/۴۶۱۴۱ مورخ ۱۳۹۰/۱۲/۲۳ این شورا در مقام اظهارنظر نسبت به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۰/۱۱/۱۹ چنین می‌خوانیم: «در تبصره (۱) ماده (۱۴) با قبول اصل جبران خسارت معنوی، حکم به خسارت مالی در مواردی که از نظر شرع یا قانون، تعزیر و دیه تعیین و در دادگاه در مورد آن حکم صادر شده، خلاف موازین شرع است.»

خویش در موعد توافق شده عمل کند؛ زیرا در سایه اصل لزوم قراردادهای، هیچ یک از طرفین قرارداد نمی‌توانند بدون علت قانونی از انجام تعهدات خود شانه خالی کنند (صفایی، ۱۳۶۴، ص ۱۰۸)؛ اما این اصل، مطلق و استثناپذیر نیست، بلکه در مواردی متعهد از اجرای تعهد خویش معاف می‌شود. یکی از این موارد وجود قوه قاهره است. در قانون مدنی صراحتاً لفظ قوه قاهره به کار نرفته است. با این حال نویسندگان حقوقی تلاش کرده‌اند با استفاده از مواد ۲۲۷ و ۲۲۹ این قانون، نظام حقوقی حاکم بر این نهاد حقوقی را ترسیم کنند. در این مسیر، قوه قاهره یا فورس‌ماژور را ناظر به وضعیتی می‌دانند که بدون تقصیر متعهد، تعهد به دلیل تغییر اوضاع و احوالی که قابل انتساب به شخص متعهد نیست، غیر قابل اجرا گردد (صفایی، ۱۳۶۴، ص ۱۱۵). در ادبیات حقوقی، قوه قاهره را با سه ویژگی خارجی، غیر قابل اجتناب و غیر قابل پیش‌بینی می‌شناسند. برای معافیت متعهد از انجام تعهد باید هر سه ویژگی فوق با هم وجود داشته باشند و فقدان یکی از ویژگی‌ها، معافیت از تعهد را منتفی می‌سازد. خارجی بودن مانع انجام تعهد بدین معناست که در حیطه و قلمرو مسئولیت متعهد نباشد. این ویژگی در ماده ۲۲۷ قانون مدنی آمده است. بر اساس این ماده، «متخلف از انجام تعهد وقتی محکوم به تأدیه خسارت می‌شود که نتواند ثابت نماید که عدم انجام به واسطه علت خارجی بوده است که نمی‌توان مربوط به او نمود.» غیر قابل اجتناب بودن به معنای این است که متعهد قادر به دفع مانع و آثار آن نباشد. این ویژگی از ماده ۲۲۹ قانون مدنی استنباط می‌گردد که مقرر می‌دارد: «اگر متعهد به واسطه حادثه‌ای که دفع آن خارج از حیطه اقتدار اوست نتواند از عهده تعهد خود برآید، محکوم به تأدیه خسارت نخواهد بود.» ملاک اقتدار متعهد برای دفع مانع، شرایط یک انسان متعارف در آن شرایط خاص خواهد بود (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ص ۲۱۸). افزون بر این دو شرط، حادثه‌ای قوه قاهره است که غیر قابل پیش‌بینی باشد. بر خلاف دو ویژگی فوق، این ویژگی در قانون مدنی دیده نمی‌شود. این امر موجب تردید در لزوم این شرط شده است. با این حال، حقیقت این است که باور به لزوم وجود این شرط ترجیح دارد (صفایی، ۱۳۶۴، ص ۱۲۲) به خصوص آنکه می‌توان ریشه غیر قابل پیش‌بینی بودن را در دو ویژگی قبلی یافت؛ زیرا در صورت قابل پیش‌بینی بودن حادثه برای متعهد، نمی‌توان گفت که دفع آن خارج از حیطه اقتدار متعهد بوده یا عدم اجرای تعهد ناشی از علتی است که نمی‌توان به او مربوط نمود.

غیر قابل پیش‌بینی بودن بدین معنا نیست که حادثه قبلاً هیچ‌گاه اتفاق نیافته باشد. حادثه هنگامی غیر قابل پیش‌بینی محسوب می‌گردد که نتوان علت خاصی برای

به وجود آمدنش متصور بود. بنابراین حتی بلایای طبیعی نیز بعضاً قابلیت پیش‌بینی دارند. مثلاً زلزله در کشور زلزله‌خیزی مثل ژاپن قابل پیش‌بینی است و قوه قاهره محسوب نمی‌گردد. یا مؤسسه حمل و نقلی که تعهد به حمل کالا در فصل زمستان از مسیر برف‌گیری می‌نماید که این مسیر سوابق متعدد بسته شدن به وسیله برف در زمستان را دارد، نمی‌تواند به قوه قاهره استناد کند؛ چراکه این اتفاق قابل پیش‌بینی است. برای نمونه در دادنامه شماره ۱۱۵ مورخ ۱۳۹۱/۳/۱۳ صادره از شعبه اول دادگاه عمومی حقوقی بخش چهاردانگه چنین می‌خوانیم: «... اشاره به تأخیر ۶۸ روز به علت برف و سرمای شدید موجه نمی‌باشد چراکه این موارد و تأخیر در پروژه ساختمانی در فصل زمستان قابل پیش‌بینی بوده و طرفین می‌توانستند و می‌بایستی نسبت به پیش‌بینی آن اقدام می‌کردند ...». با تجدیدنظرخواهی دادباخته، شعبه ششم دادگاه تجدیدنظر استان تهران در دادنامه شماره ۱۳۰۵۰۶۰۲۲۰۶۰۹۹۷۰۹۲۰ به تاریخ ۱۳۹۲/۱۰/۸ چنین تصمیم می‌گیرد: «... از طرفی تعذر تجدیدنظرخواه به حدوث قوه قاهره که موجب تأخیر در اجرای قرارداد شده نیز موجه نیست زیرا بروز سرمای شدید در فصل زمستان قابل پیش‌بینی بوده و لذا بروز سرمای شدید در زمستان نمی‌تواند به عنوان عذر موجه جهت تأخیر در اجرای مفاد قرارداد تلقی گردد ...».

دادگاه در پرونده نخست، در برابر استناد خواننده به قوه قاهره برای معافیت از تعهد، بر این باور است که «اینکه بر خلاف دفاعیات وکیل شرکت خواننده نقص فنی هواپیما که علت تأخیر در پرواز اعلام شده امری غیر قابل پیش‌بینی و غیر قابل جبرانی نبوده تا شرایط استناد به قاعده مذکور فراهم شود چه آنکه به کارگیری هواپیماهایی با سابقه استفاده طولانی مدت وجود نقص فنی را در هر زمانی قابل پیش‌بینی می‌نماید که وجود و در نظر گرفتن هواپیمای جایگزین در به کارگیری به جای هواپیمای دارای نقص فنی در جهت رعایت حقوق مسافران و اقدام به دقت در وقت و زمان ایشان و سایر مسافران را امری منطقی جلوه می‌نماید.» بدین ترتیب، دادگاه به صورت مطلق، تأخیر یا لغو پرواز را ناشی از قوه قاهره تلقی نکرده، بلکه «به کارگیری هواپیماهایی با سابقه استفاده طولانی مدت، وجود نقص فنی را در هر زمانی قابل پیش‌بینی می‌نماید.» بدین ترتیب، با توجه به شرایط خاص موجود در پرونده، وجود نقص فنی قابل پیش‌بینی تلقی شده و در نتیجه، قوه قاهره شمرده نمی‌شود. در پرونده دوم نیز دادگاه بدون ذکر جزئی دفاعیات نماینده شرکت خواننده، بر این باور است که اظهارات نماینده شرکت خواننده مطلقاً تکافوی اثبات فورس‌ماژور را ندارد. اما حقیقت این است که نمی‌توان در همه

صور، تأخیر یا لغو را قوه قاهره محسوب نکرد، بلکه آنچه در این خصوص تعیین کننده است بررسی علت تأخیر یا لغو است. برای همین، اگر علت تأخیر وضعیت نامساعد جوی یا دستور خارج از مجموعه شرکت خوانده یا علل امنیتی باشد، شرایط قوه قاهره در تأخیر یا لغو پرواز جمع خواهد بود، امری که در دفاعیات نماینده شرکت خوانده مفقود است و تلویحاً این امر را ثابت می کند که تأخیر مربوط به خود شرکت بوده است.

۳-۲. زیان معنوی

۳-۲-۱. قابلیت تقویم

اصل مطالبه زیان معنوی در شرع و قانون امری مصرح است، اما شیوه جبران آن متعین نیست و طرق مادی و غیر مادی برای جبران آن مقرر شده که تعیین آن نهایتاً از اختیارات دادگاه است که بسته به اوضاع و احوال، یک یا چند طریق را موضوع حکم قرار خواهد داد. بنابراین خواسته خواهان در رأی اول، از این حیث قابل انتقاد است که ضمن ادعای زیان معنوی، طریق اثبات آن را منحصر به «پرداخت» نموده و متبادر از اصطلاح پرداخت، تأدیه به صورت مادی است و دادگاه نیز بر پایه همین تبادر، با این استدلال که زیان مادی اثبات نشده، آن را رد کرده است، در حالی که شایسته بود خواهان به جای عبارت «پرداخت» زیان معنوی، الزام خوانده به جبران زیان معنوی از طریق مربوط و مورد تأیید دادگاه را خواستار می شد. تعیین خواسته به موجب بند ۳ ماده ۵۱ قانون آیین دادرسی مدنی از تکالیف خواهان است، اما در اینجا صرف مطالبه زیان معنوی، به معنی معین بودن خواسته است و تشخیص نحوه جبران آن مستلزم رسیدگی ماهوی است و بر عهده دادگاه است و خواهان نمی تواند در این خصوص تعیین نماید. در رأی دوم، خواهان به درستی صرف مطالبه زیان معنوی را خواسته خود قرار داده و قلمرو دادرسی را محدود به جبران زیان معنوی از طریق پرداخت نکرده و همین امر، دست دادگاه را برای اتخاذ طرق دیگر جبران باز گذاشته است.

۳-۲-۲. قابلیت مطالبه

در خصوص زیان معنوی، هر دو دادگاه ابتدا تلاش می کنند با مروری بر منابع شرعی و قانونی، اصل قابلیت جبران زیان معنوی را اثبات کنند. دادگاه نخست به همین منظور چنین می نویسد: «از طرفی موازین شرعی و قانونی از جمله قاعده لاضرر و لاضرار فی الاسلام و مفاد اصل ۱۷۱ قانون اساسی و صراحت مفاد ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی

کیفری ضرر و زیان معنوی را قابل مطالبه دانسته ... و ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ ... همچنین ماده ۲ قانون مذکور ...» در پرونده دوم نیز - همچون پرونده نخست - دادگاه تلاش می کند ابتدا قابلیت مطالبه زیان معنوی را با توسل به منابع شرعی اثبات کند، چنانکه در بخشی از رأی می نویسد: «به موجب حدیث نبوی لاضرر و لاضرار فی الاسلام ...» و بعد از این، دادگاه تلاش می کند ضرورت جبران زیان معنوی را با عقل نیز اثبات کند: «... جبران نشدن خسارت وارده به روح و روان افراد و به طور کلی خسارت معنوی موجب تجری بیشتر کسانی می گردد که در پی سرکشی و تعدی به حقوق سایرین هستند و یا حداقل موجب بی مبالاتی و ناچیز انگاشتن شأن و جایگاه و شخصیت اجتماعی دیگران می گردد ...» در نهایت نیز دادگاه به سراغ منابع قانونی می رود، آنجا که می نویسد: «... این موضوع به صراحت در اصل ۲۲ و ۱۷۱ قانون اساسی که میثاق ملی کشور است و در ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی قید گردیده است ...»

۳-۲-۳. روش اثبات

بعد از اثبات قابلیت مطالبه خسارت معنوی، هر دو دادگاه تلاش می کنند زیان معنوی خواهان را اثبات کنند. دادگاه نخست در دادنامه اش چنین می نویسد: «... معطلی و سردرگمی و سرگردانی مسافران و شخص خواهان و فشار روحی و روانی ناشی از بلا تکلیفی خود در نتیجه رفتار شرکت خوانده به خواهان تحمیل گردیده است و نظریه کارشناس منتخب دادگاه نیز مصون از اعتراض باقی مانده نیز مؤید این امر می باشد.» نکته جالب در این رأی، ارجاع موضوع به کارشناس است. اگرچه به نظریه کارشناس دسترسی نداشته و از متن رأی نیز آگاه از چند و چون آن نمی شویم، به هر روی، این روش به دادگاه کمک می کند تا با اطمینان بیشتری ادعای خواهان را مبنی بر آسیب معنوی بررسی و واقعیت را احراز کند. اما دادگاه دوم اعتقادی به لزوم ارجاع موضوع به کارشناس نداشته و حتی در جایی از رأی بر «عدم امکان کارشناسی» خسارت معنوی تأکید می کند. این دادگاه تلاش می کند خویش را به جای خواهان و در موقعیت او بگذارد و آسیبی را که به او رسیده تصور کند، چنانکه در رأی خویش می نویسد: «... در پرونده حاضر به پذیرش ادعای خواهان مجاب نموده است نه صرفاً نفس خلف وعده شرکت خوانده در لغو شدن پرواز می باشد بلکه بیشتر بی اهمیتی به وضعیت مسافری می باشد که در کشوری دیگر رها نموده است و اندیشه ای در ذهن خود نمی پروراند که چگونه وی را به وطن خویش بازگرداند این بی توجهی نه تنها به تهیه پرواز جایگزین بلکه

حتی به وضعیت تغذیه یا اسکان وی نیز می‌باشد تا جایی که فردی که از جمله اساتید دانشگاهی و از نخبگان این میهن می‌باشد برای رفع نیازهای خود و بازگشت به وطن مجبور گردد در مقابل هر فردی دست کمک دراز نماید و در مقابل بیگانگان ابن‌السبیل گردد و شخصیت اجتماعی خویش را در پس نگاه‌های تحقیرآمیز دیگران خرد شده بیند. «از میان این دو دیدگاه به نظر می‌رسد دیدگاه نخست بیشتر بتواند قاضی را با حقایق پرونده آشنا و به او در صدور رأیی قابل توجیه کمک کند. در واقع با توجه به نقشی که روان‌شناسان و روان‌پزشکان در بررسی آسیب‌های روحی دارند می‌توان از آنان به عنوان کارشناس به‌ویژه در مرحله ارزیابی و محاسبه میزان خسارت استفاده کرد. استفاده از کارشناس در مرحله تقویم زیان معنوی در یکی از نظریات مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضاییه^۱ نیز مورد اشاره قرار گرفته است. در این نظریه آمده است: «برای تقویم خسارت مالی زیان معنوی، دادگاه می‌تواند با اخذ نظر کارشناس ... اقدام نماید.» به نظر می‌رسد قاضی با کمک کارشناسان یاد شده می‌تواند هم اندازه دقیق خسارت وارده به احساسات زیان‌دیده را ارزیابی کند و هم بهترین روش ممکن جهت جبران زیان وارده را تعیین کند.

۳-۲-۴. روش جبران

اکنون نوبت به روش جبران زیان معنوی می‌رسد. دادگاه نخست با یادآوری مفاد تبصره ۱ ماه ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری درباره طرق جبران خسارت معنوی، «شرکت خوانده را مسئول جبران خسارت معنوی دانسته و با التفات به خواسته خواهان در جلسات دادرسی و توجیه تعیین نوع جبران خسارت جهت آگاهی عموم از حقوق خود و لزوم پاسخگویی شرکت هواپیمایی مختلف و توجه به معیارهای انسانی از قبیل احترام به وقت و زمان و حقوق مسافران و لزوم حفظ آرامش آنان، حکم به الزام شرکت هواپیمایی ... به عذرخواهی از خواهان به عنوان مسافر پرواز شماره ۱۹۱۷ مورخ ۱۳۹۶/۶/۵ از مبدأ تهران به مشهد در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار همزمان با درج حکم در آن روزنامه صادر و اعلام می‌نماید ...». در این رأی، دادگاه حکم الزام به جبران خسارت را مستند به «لزوم آگاهی عموم از حقوق خود و لزوم پاسخگویی شرکت‌های هواپیمایی» کرده است. این امر در درجه نخست به طور مستقیم به طرفین پرونده ارتباط ندارد، اما نشان می‌دهد که دادگاه از تأثیر اجتماعی رأیش آگاه بوده و نگاهی

۱. نظریه شماره ۷/۹۳/۱۰۴۸ به تاریخ ۱۳۹۳/۵/۴ (قابل مشاهده در سایت: <https://edarehoquqy.eadl.ir>).

به بیرون از آنچه در محکمه‌اش می‌گذرد نیز دارد. دادگاه دوم نیز از روش عذرخواهی استفاده می‌کند. الزام عامل زیان به عذرخواهی در نظام حقوقی ایران، در ماده ۱۰ قانون مسئولیت مدنی پیش‌بینی شده است. در رویه قضایی نیز از این روش استفاده می‌شود (میرشکاری، ۱۳۹۹، ص ۷۶). برای نمونه در دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۷۰۱۰۰۹۳۲ مورخ ۱۳۹۲/۸/۲۶ شعبه ۵۶ دادگاه تجدیدنظر استان تهران، از الزام به عذرخواهی و درج در روزنامه به عنوان شیوه جبران خسارت معنوی استفاده شده است. بر اساس بخش‌هایی از این رأی، «... تجدیدنظرخوانده برای صدور حکم طلاق مدارکی به ظاهر منتسب به وزارت اطلاعات که دلالت بر سابقه محکومیت وی دارد ارائه نموده در حالی که مدارک مزبور مجعول بوده ... و با ارائه این اسناد لطمات جبران‌ناپذیری به حیثیت شغلی و شخصی و خانوادگی وی وارد نموده ... با احراز تقصیر تجدیدنظرخوانده در ورود ضرر معنوی به تجدیدنظرخواه ... به تجویز ... مواد ۱ و ۱۰ قانون مسئولیت مدنی حکم به الزام تجدیدنظرخوانده نسبت به عذرخواهی از تجدیدنظرخواه از طریق درج در روزنامه‌های کثیرالانتشار صادر و اعلام می‌نماید ...» در پرونده‌ای دیگر، خواهان در آزمون دوره دستگیری رشته تخصصی ارتودنسی در سال ۱۳۷۳ شرکت کرده و شرایط لازم برای قبولی در این آزمون را به دست آورده، اما خوانده یعنی وزارت بهداشت، از پذیرش وی خودداری کرده است. سرانجام پس از نه سال، با پیگیری‌های انجام گرفته و با اخذ حکم از دیوان عدالت اداری، وی برای تحصیل به دانشگاه شهید بهشتی معرفی می‌شود. خواهان بر این باور است که خوانده موجب تضییع حقوق وی شده است. برای همین، الزام وزارت بهداشت به جبران کلیه خسارات مادی و معنوی را خواستار می‌شود. در دادنامه شماره ۸۹۰۰۲۰۰ به تاریخ ۱۳۸۹/۳/۱۸ صادره از سوی شعبه ۲۹ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید بهشتی تهران مندرج در پرونده کلاسه ۳۲۶/۲۹/۸۸ چنین آمده است: «... در خصوص خسارت معنوی مورد مطالبه خواهان دادگاه توجهاً به اینکه قصور خوانده در عدم پذیرش خواهان در دوره دستگیری بر اساس دادنامه صادره از سوی شعبه سوم دیوان عدالت اداری محرز و مسلم بوده که این عدم پذیرش خواهان در طول مدت ۹ سال یقیناً موجبات ورود تألمات روحی را برای نام‌برده فراهم نموده لذا این دادگاه با احراز ورود خسارت معنوی به خواهان از این حیث مستنداً به مواد ۱ و ۲ و ۳ قانون مسئولیت مدنی حکم بر الزام خوانده به عذرخواهی از نام‌برده با درج در یکی از جراید کثیرالانتشار

صادر و اعلام می‌نماید ...» به هر روی، پرسش جدی این است که آیا عذرخواهی روش مناسبی برای جبران همه زیان‌های معنوی است؟ به نظر می‌رسد در همه موارد، صرف عذرخواهی نمی‌تواند آسیبی را که به آرامش روحی خواهان رسیده جبران کند، بلکه با استفاده از روش‌های دیگر مانند پرداخت پول بهتر می‌توان زیان‌دیده را تسکین داد. دادگاه دوم در همین مسیر قدم برمی‌دارد. این دادگاه به اختیار خویش برای تعیین روش جبران، به جمله «با توجه به اوضاع و احوال قضیه» استناد کرده و بر این باور است که «تعیین رقمی جهت جبران خسارت معنوی» می‌تواند حداقل موجب تشفی خاطر زیان‌دیده بشود ولو آنکه نتواند مجموع آلام و خسارات او را جبران کند. به هر روی، با تمهید این مقدمه، در نهایت در فراز پایانی رأی چنین می‌خوانیم: «این دادگاه ... به عنوان جبران خسارت معنوی وارده و صرفاً به منظور تشفی خاطر زیان‌دیده به پرداخت ۵ برابر وجه بلیط اخیرالذکر در حق خواهان محکوم می‌نماید.» در این رأی دغدغه قاضی نسبت به رعایت حرمت شخصیت افراد و شأن ایشان قابل تقدیر است. اینکه به ویژگی‌های شخصی و مالی زیان‌دیده، شرایط وقوع زیان که در یک کشور خارجی و نه مثلاً در یکی از شهرهای کشور است و نیز به بی‌توجهی و بی‌تفاوتی خواننده به اوضاعی که ممکن است برای افراد اتفاق افتد توجه شده، سبب می‌شود رأی صادره با «اوضاع و احوال قضیه» سازگارتر باشد.

۳-۳. خسارت مادی

با وجود آنکه در پرونده نخست، خواهان در ذیل هیچ یک از خواسته‌های سه‌گانه خویش جبران خسارت مادی را نخواست، دادگاه در نخستین بند از تصمیم خویش می‌نویسد: «در مورد خواسته خواهان در جبران خسارت مادی با توجه به اینکه ضرر مادی هر چیزی است که باعث کاهش دارایی مثبت و یا افزایش دارایی منفی و یا محرومیت از منافع ممکن‌الحصول شود که سابقه استیفاء داشته و فرد به واسطه رفتار دیگری از آن محروم شده است و اینکه در لزوم جبران خسارت مادی علاوه بر وجود فعل زیان‌بار یا نامشروع ورود ضرر و زیان به مدعی و وجود رابطه سببیت بین رفتار مرتکب و خسارت ضروری به نظر می‌رسد. در مانحن‌فیه با توجه به زمان حرکت پرواز هواپیما و اینکه با توجه به شغل خواهان که وکیل دادگستری معرفی گردیده‌اند و به ساعت غیر اداری متمسک شده امکان استفاده از شیوه‌های نوین جهت انجام مشاوره به موکلین و انجام امور مربوط به وکالت فراهم بوده و از طرفی حسب ادعای خواهان

وقت و زمانی که از وی هدر گردیده قصد انجام امر غیر مالی دیدار پدربزرگ کهنسالش بوده می‌باشد. همچنین از ناحیه خواهان دلیل موجهی بر ورود ضرر و زیان و از دست رفتن منافع ممکن‌الحصول که در آن زمان امکان استیفای آن وجود داشته و به سبب رفتار شرکت خوانده از بین رفته باشد، ارائه نگردیده است و اینکه حسب اظهار نظر کارشناس منتخب دادگاه که مصون از تعرض طرفین باقی مانده است اگرچه این موضوع بار روانی استرس زیادی برای خواهان به دنبال داشته ولی باعث بیماری جسمی و صدمات بدنی قابل اثباتی در وی نشده است. بدین جهت امکان تعیین خسارت جانی برای مشارالیه نمی‌باشد. لذا دادگاه نظر به مراتب فوق، خواهان را مستحق دریافت خسارت مادی ندانسته و مستنداً به ماده ۱ از قانون مسئولیت مدنی و ماده ۱۹۷ قانون آیین دادرسی مدنی حکم بر بی‌حقی وی را از این قسمت خواسته صادر می‌نماید.» بدین ترتیب، دادگاه به خواهان یادآوری می‌کند که قصد وی از این سفر، دیدار با پدربزرگ بود و نه انجام امور کاری. برای انجام این امور هم می‌شد از «شیوه‌های نوین جهت انجام مشاوره به موکلین و انجام امور مربوط به وکالت» استفاده کرد. با این حال، نکته در این است که تردیدی در انگیزه خواهان از این سفر نیست، اما مسئله این است که تأخیر خوانده سبب شده تا خواهان نتواند به برنامه‌ای که قاعدتاً از پیش داشته، عمل کند. به علاوه، لزوماً همه امور مربوط به وکالت از طریق شیوه‌های نوین قابل انجام نیستند و بهتر بود دادگاه با توجه به کاری که خواهان باید انجام می‌داد و از انجام آن معذور شده، قائل به تفکیک می‌شد. به هر روی، اینکه مطالبه خسارت مادی خواسته خواهان نبوده ولی دادگاه درباره آن تصمیم گرفته، بی‌تردید نادرست است.

نتیجه

سیره عملی رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در تنفیذ عمل امام علی (علیه السلام) در جبران خسارت وارده توسط خالد بن ولید به قبیله‌ای از مسلمانان از طریق پرداخت وجه مؤید امکان جبران خسارت معنوی از طریق پول است، اما با شکل‌گیری فقه استدلالی، اساساً موضوع اصل امکان جبران خسارت معنوی و تبعاً امکان جبران آن با وجه نقد، تا حدود زیادی در کتب فقهی مسکوت مانده که البته این سکوت در اغلب مواقع باعث استنباط حکم عدم امکان جبران اصل زیان معنوی نشده است. سرانجام فقهای متأخر این سکوت معلول اقتضائات زمان را شکسته و صراحتاً حکم بر جبران معنوی داده‌اند. در نظام حقوقی ما نیز قانونگذار تلاش کرده در قوانین مختلف، بر ضرورت جبران زیان معنوی تأکید کند. آخرین اراده قانونگذار در این مسیر نیز از تبصره ۱ ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ قابل برداشت است. بدین ترتیب، تردیدی در لزوم جبران زیان معنوی نیست. با این حال، بر سر روش جبران این زیان اختلاف نظر وجود دارد. به نظر می‌رسد توجه به اوضاع و احوال قضیه بتواند به قاضی برای انتخاب روش درست برای جبران زیان معنوی کمک شایانی بکند.

فهرست منابع

الف) کتاب

۱. پرسش و پاسخ از کمیسیون استفتانات شورای عالی قضایی، ج ۱، ۱۳۶۲.
۲. زمخشری، محمد بن عمر؛ الفائق فی غریب الحدیث، ج ۳، قاهره: دارالاحیاء کتب العربیه، ۱۳۶۴ق.
۳. شهری، غلامرضا؛ نظریات اداره حقوقی از سال ۵۷ تا ۷۱، ج ۱، تهران: انتشارات روزنامه رسمی، ۱۳۷۷.
۴. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۸، قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام، ۱۴۱۲ق.
۵. کاتوزیان، ناصر، ضمان قهری، چاپ هشتم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۶.
۶. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۵، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۷. مدنی، سید جلال الدین، حقوق اساسی، ج ۴، نشر پایدار، ۱۳۸۸.
۸. مراغه‌ای، میرفتاح، العناوین الفقهیة، ج ۱، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۷ق.
۹. ملکوتی، رسول، ضمان قهری، تهران: انتشارات مجد، ۱۳۹۷.
۱۰. موسوی بجنوردی، سید حسن، قواعد الفقهیة، ج ۱، انتشارات دلیل ما، ۱۳۸۶.
۱۱. میرشکاری، عباس، رساله عملی در مسئولیت مدنی، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۹.
۱۲. نراقی، احمد بن محمد، عوائد الایام فی بیان قواعد الاحکام، قم: مرکز النشر التابع لمکتب الاعلام الاسلامی، ۱۳۷۵.
۱۳. واقعدی، محمد بن عمر، المغازی، ج ۳، چاپ سوم، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۹ق.

ب) مقاله

۱۴. صفایی، سید حسین، «قوه قاهره یا فورس ماژور، بررسی اجمالی در حقوق تطبیقی و حقوق بین الملل و قراردادهای بازرگانی بین المللی»، مجله حقوقی بین المللی، دوره ۳، بهار و تابستان ۱۳۶۴، صص ۱۱۱-۱۵۴.

پ) سایت

۱۵. <https://edarehoquqy.eadl.ir>